

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۲۵ اکتوبر ۲۰۱۸

خاشقجی منتقد رژیم سعودی نبود!

ناپدید شدن جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی، در هفته گذشته در کنسولگری سعودی در استانبول سر و صدای بین‌المللی زیادی ایجاد کرده، اما همان‌طور که انتظار می‌رفت رسانه‌های عربی تحت کنترل سعودی پوشش کمی به آن داده اند. "واشنگتن پست"، که خاشقجی برای آن می‌نوشت، و دیگر رسانه‌های غربی داستان را زنده نگه داشته، و فشار بر ریاض را برای توضیح نقش آن در این قضیه افزایش داده اند.

رسانه‌های غربی چیزهای عجیبی درباره خاشقجی می‌نویسند. دیوید هرست در "گاردین" ادعا کرد که خاشقجی صرفاً به مطلق‌هائی مانند "حقیقت، دموکراسی، و آزادی" فکر می‌کرد. سرپرست "دیده‌بان حقوق بشر" او را به مثابه نماینده "روزنامه‌نگاری پرطنین و منتقد" توصیف کرد.

اما آیا او در حالی‌که برای شاهزادگان سعودی کار می‌کرد در پی مطلق‌ها بود؟

خاشقجی یک عضو وفادار ماشین تبلیغاتی سعودی بود. در عربستان سعودی چیزی به نام روزنامه‌نگاری وجود ندارد: زنان و مردان سعودی شجاعی وجود داشته اند که سعی کردند دیوار صعب دنیا را بشکنند و به خاطر نظراتشان تحت پیگرد قرار گرفتند و مجازات شدند. خاشقجی از آن‌ها نبود.

برخی نویسندگان در زمانی‌که خاشقجی در روزنامه "الوطن" رئیس آن‌ها بود، مصیبت‌ها دیدند. خاشقجی - خلاف چیزی که نوشته می‌شود - هرگز از سوی رژیم مجازات نشد، به استثنای دو سال پیش که ولیعهد محمد بن سلمان او را از توثیق کردن و نوشتن او را در "الحیات" که صاحب آن شاهزاده سعودی خالد بن سلطان است و در لندن منتشر می‌شود - ممنوع کرد.

متضاد این، ناصر السعید بود، یک نویسنده سکولار ملی‌گرای عرب که در سال ۱۹۵۶ از عربستان سعودی گریخت و به قاهره و سپس به بیروت رفت. او یک کتاب قطور درباره تاریخ آل سعود نوشت. او در حملات خود علیه آل سعود سرسخت بود.

به خاطر این، رژیم سعودی به یک رهبر فاسد سازمان آزادی‌بخش فلسطین (به نام ابو الزئیم که با سرویس اطلاعاتی اردن در ارتباط بود) پول داد تا از شر السعید خلاص شود. او السعید را در سال ۱۹۷۹ در یک خیابان شلوغ بیروت ربود و به سفارت سعودی در آنجا تحویل داد. او شکنجه شد و به قتل رسید (برخی می‌گویند جسد او از هواپیما بر فراز "بخش عاری از سکنه" صحرای عربستان سعودی به زمین پرتاب شد). چنین است دوسیه رژیم سعودی.

یافتن شاهزاده مناسب

خاشقجی یک خبرنگار جوان جاهطلب بود که می‌دانست برای صعود در روزنامه‌نگاری سعودی شما به مهارت حرفه‌ای، شهامت، یا اخلاقیات نیازی ندارید. در عربستان سعودی، فقط کافی است شما خود را به شاهزاده مناسب بچسبانید. در ابتداء، خاشقجی به دو نفر از آن‌ها نزدیک شد: شاهزاده ترکی الفیصل (که سرپرست اطلاعات سعودی بود) و برادر او شاهزاده خالد الفیصل که صاحب روزنامه "الوطن" بود، که خاشقجی در آنجا نخستین شغل سردبیری (عربی) خود را به دست آورد.

خاشقجی با اشتیاق به راضی کردن و دارای یک توانایی عجیب برای منطبق کردن نظرات خود با نظرات دولت، خود را نشان داد.

در دوره کمونیسم‌ستیزی و ارتقای جهاد جاهلانه در افغانستان و جاهای دیگر، خاشقجی یک مؤمن حقیقی بود. او در کنار اسامه بن لادن جنگید و آرمان مجاهدین را ارتقاء داد.

دیوید ایگناتیوس در "واشنگتن پست" و دیگران با گفتن این‌که او یک گزارشگر "میدانی" بود می‌خواهند این را لاپوشانی کنند - گویا ارتش بن‌لادن از روزنامه‌نگاران مستقل دعوت می‌کرد از تلاش‌های جنگی آن‌ها گزارش مخابره کنند. کل پروژه پوشش دادن به مجاهدین افغانی و ارتقای آن‌ها در مطبوعات سعودی کار رئیس اطلاعات سعودی، شاهزاده ترکی، شاهزاده حامی اصلی خاشقجی بود.

پوشش رسانه‌های غربی از سیر زندگی خاشقجی (به وسیله کسانی که عربی نمی‌دانند) یک تصویر غیرواقعی را نشان می‌دهد. آن‌ها یک روزنامه‌نگار تحقیقی شجاع را که رژیم سعودی را آشفته می‌کرد، ترسیم می‌کنند. هیچ چیز بیش از این از حقیقت فاصله ندارد: در عربستان سعودی روزنامه‌نگاری وجود ندارد؛ فقط تبلیغات خام و عریان وجود دارد. سردبیران افراد مورد اعتمادی هستند که مدت‌های طولانی وفاداری خود را نشان داده اند. خاشقجی سال گذشته در یک مصاحبه از استانبول به یک گزارشگر عرب گفت که در عربستان سعودی او هم سردبیر بود و هم سانسورچی. سردبیران روزنامه‌های رژیم (بلندگوهای شاهزاده‌ها و شاهان) مقررات دولت را اعمال کرده و مطالب ایراددار را حذف می‌کنند.

خاشقجی هرگز اسباب زحمت سعودی‌ها نبود. او به مثابه سردبیر "الوطن" دو بار به خاطر مقالاتی که نویسندگان دیگری - نه خود او - نوشته بودند، و به نحو ملایمی از دستگاه مذهبی محافظه‌کار که او در آن زمان از آن حمایت می‌کرد انتقاد می‌کرد، دچار دردسر شد. برای حراست از او در مقابل مقامات مذهبی، خاشقجی به شغل رسانه‌ای دولتی دیگری منتقل شد.

خاشقجی مرجع روزنامه‌نگاران غربی بود که درباره عربستان سعودی گزارش می‌دادند، و رژیم او را به آن سمت منصوب کرده بود. او ممکن بود در صحبت با گزارشگران خوش‌برخورد بوده باشد اما هرگز مشروعیت آل سعود را زیر سؤال نبرد. این در مورد یک سال کوتاهی که در شهر واشنگتن برای "واشنگتن پست" می‌نوشت نیز صادق بود.

یک ارتجاعی

خاشقجی یک ارتجاعی بود: او از همه سلاطین و شاهان در منطقه حمایت می‌کرد و ادعا می‌کرد آن‌ها "اصلاح‌پذیر" اند. برای او، فقط جمهوری‌های سکولار مانند عراق، لیبیا و سوریه که روابط سردی با سعودی‌ها داشتند، غیرقابل

اصلاح بودند و باید سرنگون می‌شدند. او از اسلامیزه کردن سیاست‌های عربی در امتداد خطوط اخوان المسلمین حمایت می‌کرد.

رؤیای خاشقجی یک "قیام عربی" تحت رهبری عربستان سعودی بود. او در نوشته‌های عربی خود از "اصلاحات" محمد بن سلمان و حتا از "جنگ علیه فساد" او که در منطقه و فراتر از منطقه مورد تمسخر قرار گرفت، حمایت می‌کرد. در حالی که آخرین شاهزاده حامی او یعنی الولید بن طلال در هتل تجملی در بازداشت به سر می‌برد او معتقد بود بازداشت شاهزادگان در [هتل] ریتز مشروع است (گرچه در ستون خود در "واشنگتن پست" به نحو ملایمی از آن انتقاد کرد). خاشقجی حتا می‌خواست مشاور محمد بن سلمان بشود، اما ولیعهد به او اعتماد نکرد و دست رد به سینه‌اش زد.

خاشقجی در نوشته‌های خود در "واشنگتن پست" به مثابه یک لیبرال دمکرات که خواهان دمکراسی و اصلاحات است ظاهر می‌شد. اما هرگز مشروعیت رژیم سعودی یا سیاست خاورمیانه‌ی غرب را زیر سؤال نبرد. روزنامه‌نگاری باب روز شیفته او بود. آن‌ها در او یک عرب تسامح‌گر را می‌دیدند که نه تنها از پوشش آن‌ها از منطقه انتقاد نمی‌کرد، بلکه با آن موافق بود. توجه داشته باشیم که روزنامه‌نگاری باب روز امریکائی مظهر روزنامه‌نگاری حرفه‌ی به حساب می‌آید. خاشقجی اساساً عربی بود که برای روزنامه‌ای می‌نوشت که پیشینه تأسبجاری در بد نشان دادن عرب‌ها دارد. در نوشته‌های عربی خاشقجی، سمپاتی او با ترکیه و اخوان المسلمین آشکار بود. چیزی که در غرب فراموش شده یا در مورد آن کمتر می‌دانند این است که طی جنگ سرد، سعودی‌ها از اخوان المسلمین به مثابه یک اسلحه علیه اردوگاه ترقی‌خواه، سکولار به رهبری جمال عبدالناصر حمایت کردند و آنرا پرورش دادند. اخوان المسلمین نظام آموزشی سعودی را کنترل می‌کرد و دانش‌آموزان سعودی را با ستایش از اخوان المسلمین پرورش می‌داد. اما ۱۱ سپتمبر محاسبات سعودی‌ها را تغییر داد: حاکمان برای نقش خود در حمایت از خرافه‌پرستی اسلامی خود به یک بز بلاگردان نیاز داشتند و اخوان المسلمین هدف عالی بود. این خاشقجی را نیز مظنون ساخت.

اشارات علیه خاشقجی

مقالات اخیر در مطبوعات سعودی به این اشاره می‌کردند که رژیم ممکن است علیه او حرکت کند. او حامیان خود را از دست داده بود اما این نظر که خاشقجی در صدد بود یک حزب اپوزیسیون عربی تشکیل دهد بی‌پایه بود. جرم واقعی این بود که خاشقجی تنها از سوی حامیان اخوان المسلمین، یعنی رژیم قطر و دولت ترکیه، حمایت می‌شد. ک نویسنده در روزنامه "عکاظ" چاپ جده او را به ملاقات با امیر قطر در "هتل چهار فصل" در نیویورک و داشتن ارتباطات با "سرویس‌های اطلاعاتی منطقه‌ی و بین‌المللی" متهم کرد. این اگر درست بوده باشد سرنوشت او را رقم زد. قطر اکنون دشمن شماره یک رژیم سعودی -حتا بدتر از ایران- است. خاشقجی یک فراری محسوب می‌شد و شخص مجاز نیست از نظام سعودی فرار کند. آخرین سناریوی فرار از رژیم به سال ۱۹۶۲ برمی‌گردد که شاهزاده طلال و شاهزاد بندر به جنبش ناسیونالیست عربی ناصر در مصر پیوستند. خاشقجی باید طوری تنبیه می‌شد که به اندام دیگرانی که به فکر فرار هستند، لزره بیندازد.

ترجمه از سایت عدالت